



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

نقش تعلیم و تربیت اسلامی در کاهش آسیب های اجتماعی

شهبین شهرکی^۱

^۱ کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زابل

اداره آموزش و پرورش عشایر استان سیستان و بلوچستان، موسسه غیردولتی بهاران علم و دانش

چکیده:

مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است. زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می آید و رفتارها آسیب می بیند. یکی از مهمترین ویژگی های انسان، تربیت پذیری است که از آغاز پیدایش شروع شده و در طول تاریخ ادامه داشته و خواهد داشت. نقش تربیت، شکوفا سازی شخصیت واقعی انسان و به فعلیت رسانیدن قوا و استعدادهای نهفته اوست و بدون تربیت و اخلاق، آدمی شخصیت واقعی خود را باز نمی یابد و به حقیقت انسانی و هویت مستقل خویش آگاه نمی گردد و آن چه خارج از این حوزه یافته است خود انسانی نیست. زیرا شرافت انسان به روح ملکوتی اوست و امتیاز او بر سایر حیوانات مرهون ویژگی های انسانی وی می باشد که خاستگاه ارزش های معنوی و ابزارهایی برای رسیدن به درجات بلند و سعادت جاودانی اند. تعلیم و تربیت یک نشو و نما، مداوم انسانی است که نسل بزرگتر حاصل آموخته ها و تجربه های خود و گذشتگان را به نسل کوچکتر منتقل می سازد. ترقی و تمدن انسان ها در ابعاد مختلف، معلول همین تعلیم و تربیت است. تربیت اسلامی عبارتست از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، جهت ایجاد یک اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوند. در این پژوهش سعی شده تا با تاکید بر تعلیم و تربیت نقش و تأثیر تعلیم و تربیت اسلامی در کاهش آسیب های اجتماعی بررسی گردد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی بود. اطلاعات مورد نیاز با بررسی مستندات، مشاهده میدانی، مصاحبه با مردم محلی جمع آوری شده است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که کشور ما اسلامی است، تربیت آن در صورتی کارا و با فرهنگ آن سازگار خواهد بود که از فرهنگ غنی اسلام سیراب شده باشد.

واژگان کلیدی: تربیت، تعلیم و تربیت اسلامی، آسیبهای اجتماعی.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

مقدمه

جامعه‌شناسان معتقدند آسیب‌های اجتماعی از الگو و مدل خاصی پیروی نمی‌کند اما مهم‌ترین عوامل رشد و ترقی هر پدیده‌ای، شناسایی آسیب‌های آن و رفع آن‌ها برای تداوم حیات آن پدیده است. مقابله درست و علمی با آسیب‌های اجتماعی، درمان یا پیشگیری از گسترش و پیدایش آن‌ها ضروری است، البته آنچه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می‌سازد، نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده آسیب‌ها و راهکارهای اصلاح و بهبود آن است. از گذشته‌های دور آموزش و پرورش در مراکز خاصی صورت می‌گرفته است. آکادمی افلاطون، باغ اَبیکور، دانشگاه جندی شاپور و اسکندریه، نظامیه‌ها، مکتب‌خانه‌ها و مواردی از این قبیل، نمونه‌هایی برجسته در طول تاریخ هستند که مرکزیت آموزشی و پرورشی داشته‌اند. بعدها در دوران مدرن، دولت‌ها رسماً سازمان‌هایی را برای تولید این امر خطیر دایر کردند و آموزش و پرورش رسمی به وجود آمد. آموزش و پرورش یک فرآیند است؛ فرآیندی که در آن مربی سعی می‌کند رشد تربیتی را تسهیل کند. در این فرآیند اهدافی ارزشمند انتخاب می‌شود و مربی و متربی در تعامل با هم می‌کوشند که به آن اهداف برسند. در این معنا، تعلیم و تربیت جریانی است که به واسطه‌ی آن، جامعه در تلاش است که نوباوگان خود را به‌گونه‌ای مطلوب بپروراند. بشر همواره در تلاش برای بررسی پدیده‌های اطراف خود بوده است. تعلیم و تربیت نیز (چه به عنوان یک فرآیند و چه به عنوان یک سازمان) از این قاعده مستثنا نیست. علاقه‌مندان به پدیده‌های انسانی (عالمان علوم انسانی) از جنبه‌های مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی، تاریخ‌نگاری و دیگر حوزه‌ها، هر یک به فراخور حال خود، حوزه‌ی تعلیم و تربیت را یکی از موضوعات جذاب و مهم در کار خود شناخته و بدین‌سان به بررسی آن پرداخته‌اند، به‌گونه‌ای که رفته رفته دانش تربیتی پدید آمده است. امروزه هنگام به‌کاربردن اصطلاح تعلیم و تربیت، نظر ما متوجه شاخه‌ای از معرفت بشری می‌شود که به بررسی فرآیند تربیتی و بعضاً سازمان تربیتی می‌پردازد. این بررسی به طرق گوناگون و از جنبه‌های مختلف صورت می‌گیرد و یافته‌های آن در دانشکده‌های علوم تربیتی ارائه می‌شود. در این کاربرد، تعلیم و تربیت به مثابه یک علم تلقی می‌شود. می‌توان گفت که مراد از تعلیم و تربیت اسلامی می‌تواند اشاره به یکی از این سه معنا باشد؛ یا تربیت اسلامی به معنای نهادها و مراکزی است که در آن به تربیت پرداخته می‌شود، یا اشاره به فرآیندی است که در آن سعی می‌شود متریبان، در مجموع، واجد دو وصف «مؤمن» و «مسلم» گردند؛ یا اشاره به دانشی دارد که از طریق بررسی این سازمان‌ها و فرآیندهای تربیتی پدید آمده است. در نگاهی به آثار منتشر شده در این باره، می‌توان سه رویکرد را از هم تفکیک کرد؛ در یک رویکرد به بررسی مؤسسات تربیتی در سیر تاریخی آنها پرداخته می‌شود؛ در رویکرد دیگر به بررسی اندیشه‌ها و نظریه‌های پرداخته می‌شود که اندیشمندان مختلف در گذر زمان آنها را ساخته و پرداخته‌اند؛ و در رویکرد سوم، خود فرد، به استنباط پرداخته، نظریه‌ای منسجم و بسامان را درباره‌ی تربیت پدید می‌آورد. در یک معنا علم تعلیم و تربیت اسلامی عبارت است از بررسی مجموعه‌ی اعمالی که مسلمانان در تاریخ حیات خود به نام تعلیم و تربیت انجام داده‌اند. از همان عصر بعثت، جمعی به عنوان معلم و مربی به آموزش و پرورش دیگران همت می‌گماردند. کانون این آموزش‌ها، مساجد بود. رفته‌رفته مکتب‌خانه‌ها و نظامیه‌ها و مراکزی این چنینی به وجود آمدند. پس از تشکیل دانشگاه‌های مدرن، تعلیم و تربیت اسلامی در مراکز خاصی که «حوزه» نام گرفتند، به کار خود ادامه داد. بررسی اعمال مربیان و متریبان، اهداف و روش‌های حاکم بر این مراکز، محتواهای آموزشی و برنامه‌های ارائه شده، سازمان و تشکیلات



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

این مراکز و دیگر نکات مرتبط با نظام‌های آموزشی می‌تواند یکی از معانی تعلیم و تربیت اسلامی به مثابه یک علم باشد. علم تعلیم و تربیت اسلامی در این معنا، درصدد بررسی آن دسته از مراکز آموزشی است که در طول تاریخ، پسوند «اسلامی» داشته‌اند. چنین علمی به‌وضوح، یکی از شاخه‌های علم تاریخ خواهد بود و روش‌ها و مفاهیم خود را از این علم وام خواهد گرفت. این رویکرد را که بنا به ماهیتش می‌توان «رویکرد تاریخ آموزش و پرورش اسلامی» نامید، در معنای دیگری، علم تعلیم و تربیت اسلامی عبارت است از بررسی مجموعه‌ای اوقالی که متفکران مسلمان با گرایش‌های مختلف فکری (شیعه، سنی، فیلسوف، عارف، فقیه، متکلم و...) درباره‌ی نحوه‌ی تربیت کودکان و شاگردان بیان کرده‌اند. این مطالب که عمدتاً رنگ و بوی دستوری (هنجاری) دارد، عمدتاً به صورت پراکنده یا حاشیه‌ای، در خلال نوشته‌های آنان در باب اخلاق قابل دسترسی است. نمونه‌ی چنین متفکرانی، غزالی، ابن قیّم، شهید ثانی، فیض کاشانی، ابن سینا، مولوی، سعدی و... هستند که می‌توان از آثارشان مطالبی را درباره‌ی جنبه‌های مختلف تربیت (دینی، اخلاقی، عقلانی، اجتماعی و غیره) استخراج کرد. با الگوبرداری از روش‌های نگارش تاریخ فلسفه، می‌توان این مباحث را ذیل نام اندیشمندان، جمع‌آوری و تدوین و تبویب نمود. در این معنا می‌توان تعلیم و تربیت اسلامی را در مقام یک علم، شاخه‌ای از معرفت بشری دانست که در آن اقوال متفکران مسلمان درباره‌ی تعلیم و تربیت جمع‌آوری و تدوین می‌شود. این رویکرد را می‌توان «رویکرد آرا و اندیشه‌های تربیتی مسلمانان» نامید. در یک معنای دیگر، علم تعلیم و تربیت اسلامی می‌تواند تلاش‌های یک متفکر برای استنباط مفاهیم تربیتی از دل قرآن و احادیث قطعی‌الورود باشد. در این رویکرد که می‌توان آن را «رویکرد استنباطی» نامید، سعی بر آن است که به شیوه‌ای سامانمند در باب تعلیم و تربیت نظریه‌پردازی شود. در آن تلاش می‌شود که مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت، به صورت منظم، از منطوقات قرآن و حدیث استنباط گردد. در رویکرد استنباطی، هدف اصلی نظریه‌پردازی است؛ یعنی ارائه‌ی نظریه‌ی نظام‌مند درباره‌ی تعلیم و تربیت انسان، تا از این طریق، با اعتصام به وحی الهی، افق‌های دیگری به روی مسائل تربیتی گشوده شود. هرچند دو رویکرد پیشین نیز حامل معنای «علم بودن تربیت اسلامی» هستند، آنچه عمدتاً ناظر به اصطلاح «تعلیم و تربیت اسلامی به مثابه یک علم»، است همین رویکرد استنباطی است (شکوهی، ۱۳۶۸). هدف از این پژوهش بررسی نقش تعلیم و تربیت اسلامی در کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌باشد.

تعریف علم تعلیم و تربیت

(تعریف علم تربیت همانند خود تربیت بسیار مشکل و دشوار است. زیرا هنوز درباره محتوا و روش آن اتفاق نظر مشخصی وجود ندارد و علم بودن آن مورد تردید می‌باشد. در دائرةالمعارف فلسفی لالند آمده است: پداگوژی (تعلیم و تربیت) از ریشه یونانی است و آن وظیفه برده‌ای بوده است که اداره و هدایت اطفال را به عهده داشته است. بنابراین معنا از تربیت، اهلیت این فرد به اصطلاح مربی را هم می‌توان تکنیک دانست، هم کاری هنری، و هم ناشی شده از فلسفه و نیز علم. بعضی از فلاسفه تعلیم و تربیت چون «امانوئل کانت» مشکل تعریف و تربیت را به مشکل بودن ماهیت تربیت ربط می‌دهند و معتقدند: برخلاف آنچه مردم تصور می‌کنند تعلیم و تربیت بزرگ‌ترین و دشوارترین مسائل مبتلا به انسان است. او در بین ابداعات بشر دو مورد را از بقیه مشکل‌تر می‌داند، هنر مملکت‌داری یعنی حکومت، و هنر تعلیم و تربیت.



وی معتقد است، مردم هنوز درباره معنای واقعی این دو اختلاف نظر دارند. برخی دیگر از فلاسفه تعلیم و تربیت در تعریف «تربیت» و «آموزش و پرورش» با مشکل مواجه شده تا جایی که افراد صاحب نظری مانند پیترز معتقدند: فلاسفه جدید، تلاش در راه ارائه تعریف از «تربیت» و «آموزش و پرورش» را رها کرده و یا به حداقل تعریف یعنی تعریف فرضی بسنده کرده‌اند. دور کیم، جامعه‌شناس معروف، تعلیم و تربیت را یک نظریه علمی می‌داند. که با استفاده از داده‌های علوم دیگر نظیر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به ارزیابی نظام‌ها و روش‌های تربیتی می‌پردازد و به این طریق عمل مربیان را توضیح داده و هدایت می‌کند. به اعتقاد برخی دیگر از صاحب نظران، تربیت فعالیتی مداوم، جامع (توجه به همه آنچه برای به کمال رسیدن انسان لازم است، همه ابعاد وجودی و نیازهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان) و برای همه (فرد فرد جامعه) و برای رشد و تعالی و تکامل انسان و غنای فرهنگی و تعالی جامعه. تربیت هم نیازی مستقل و هم وابسته، هم نهایی و هم واسطه‌ای، هم هدف است و هم وسیله، هم زیربنای اجتماع است و هم غایت است و هم مقصود.

علم تعلیم و تربیت اسلامی

از آنچه درباره تعلیم و تربیت گفته شد به دست آمد که تعلیم و تربیت جدید، همانند دیگر علوم انسانی، بیشتر در قرون اخیر، به خصوص در قرن بیستم، دچار تحول و دگرگونی و رشد بوده است. اما در اسلام و منابع اسلامی به تربیت به معنای عام آن از همان ابتدای ظهور این دین مقدس الهی اهمیت فوق‌العاده‌ای داده شده است. انسان موضوع تربیت و یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطالعاتی این علم محسوب می‌شود. چرا که تربیت را «فراهم آوردن زمینه برای پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمام استعدادهایی می‌داند که خداوند بالقوه در نهاد او به ودیعت نهاده است.» این انسان تنها به وسیله کسی می‌تواند به درستی شناسانده شود و سپس تربیت گردد که خود خالق اوست. لذا بهترین منبع مطالعه انسان و علم انسان‌شناسی، منابع متصل به وحی الهی، یعنی قرآن و روایات می‌باشد. در منابع اسلامی به این نکته مهم تذکر داده شد که زمام تربیت انسان باید به دست کسی باشد که از رمز و راز او و زوایای آشکار و پنهان و ابعاد مختلف وجودی‌اش، حتی از خود آدمی آگاه‌تر است. کسی که گل وجودش را سرشته، خمیر مایه فطرتش را به دست خویش آفریده باشد، در آن از روح خود دمیده، عقل، عاطفه، وجدان و معنویت‌خواهی را در ذاتش نهاده و همیشه با او می‌باشد که: و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوريد. در منابع اسلامی آنچه هدف ارسال رسل و بعثت انبیاء الهی (علیهم‌السلام) شمرده شده است، تربیت انسان و انسان‌سازی و به فعلیت رساندن تمام گنجینه‌ها و استعدادهای نهفته در درون وی بوده است (مطهری، ۱۳۷۱). هدف از آفرینش انسان و تربیت او جز این نمی‌تواند باشد. اتفاقاً در قرآن خداوند نیز به عنوان مربی انسان معرفی شده است. چنان‌که اشاره شد در علم تعلیم و تربیت از جمله مهمترین امور، نظریه‌پردازی و نیز پی‌ریزی یک نظام تربیتی منسجم و کارآمد می‌باشد و مهمترین عناصر در یک نظام تربیتی عبارتند از: اهداف، مبانی، اصول، شیوه‌ها، خط مشی‌ها، و روش‌های تربیتی، که بخش زیادی از آن در منابع اسلامی آمده است، بقیه امور از قبیل، راهبردها، وسایل و ابزار، تکنیک‌ها و فنون، یا عبارت اخرای همان چهار امر است یا فرعی از فروع همانهاست که باید از علوم دیگر کمک گرفته شوند. در تعلیم و تربیت اسلامی از جهت منابع علمی تنوع بسیاری مشاهده می‌شود. قرآن کریم و روایات، منابع بسیار غنی و



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

عمیقی در جهت استخراج و استنباط بسیاری از مسائل مربوط به تعلیم و تربیت به حساب می‌آیند. منابع موجود در این زمینه که از قدیم توسط فلاسفه و مریبان مسلمان تعلیم و تربیت به نگارش درآمده، می‌تواند شاهد این مدعا باشد(باقری، ۱۳۶۸).



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

اهداف کلی تعلیم و تربیت اسلامی:

در این قسمت یاد آوری می شود که: کمال نهایی انسان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی رسیدن به قرب الهی است، لذا این هدف غائی به اهداف و مقاصد روشن تری تجزیه می شود تا در برنامه ریزی های آموزشی و تربیتی بتواند مورد استفاده برنامه ریزان قرار گیرد.

الف - اهداف اعتقادی:

۱. تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلامی و بسط بینش الهی براساس قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) با مراعات اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی در مورد پیروان مذاهب اسلامی و اقلیت های دینی.
۲. پرورش روحیه مبارزه با کفر و شرک و نفاق و همه مظاهر آن ها.

ب- اهداف اخلاقی:

۱. ایجاد زمینه لازم برای خود شناسی به منظور خدا شناسی.
۲. شناخت، پرورش و هدایت استعداد های افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه.
۳. تزکیه و تهذیب نفس و رشد فضایل و مکارم اخلاقی براساس ایمان به خدا و تقوی اسلامی.
۴. پرورش روحیه اعتماد به نفس، استقلال شخصیت و نفی اتکاء به دیگران.
۵. تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت نفس.
۶. تعدیل عواطف.

۷. پرورش روحیه نظم و انضباط.

ج- اهداف علمی و آموزشی:

- ۱- تقویت روحیه حقیقت جویی، تعقل و تفکر، مطالعه، بررسی، تعمق، تحقیق، نقادی و ابتکار در تمام زمینه های اسلامی، فرهنگی، علمی و فنی.
- ۲- تقویت روحیه تعلیم، تعلم و تربیت مستمر و تامین زمینه مناسب برای آن.
- ۳- شناخت اسرار جهان آفرینش و قوانین طبیعت به عنوان آیات الهی به منظور پیش برد دانش و معرفت و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری.
- ۴- تعمیم آموزش برای تمام افراد لازم التعلیم و محو کردن بی سوادی.
- ۵- آموختن زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران و نیز آموختن زبان عربی جهت آشنایی با قرآن و معارف اسلامی و تسهیل ارتباط با سایر مسلمانان جهان.
- ۶- آموزش علوم و فنون و مهارت های مورد نیاز فرد و جامعه.

د- اهداف فرهنگی و هنری:



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



۱. شناخت، پرورش و هدایت ذوق و استعداد های هنری و زیبایی شناسی.
۲. شناساندن زیبایی های جهان آفرینش به عنوان مظاهر جمال و کمال الهی.
۳. شناساندن هنر اسلامی و هنر های ملی و جهانی سالم و پرورش روحیه حفظ میراث هنری و تاریخی.
۴. شناخت و شناساندن ادب فارسی به عنوان جلوه گاه ذوق هنر و مظهر وحدت ملی و اجتماعی کشور.
۵. شناساندن فرهنگ و ادب و سنن مطلوب جامعه اسلامی ایران به منظور حفظ و ترویج آنها و دفع سنن و رسوم منحط و خرافی.
۶. شناساندن تاریخ و تمدن اسلام، ایران و کشورهای دیگر.

و- اهداف اجتماعی:

۱. پرورش روحیه پاسداری از قداست و استواری بنیان و روابط خانواده بر پایه حقوق اسلامی.
۲. پرورش روحیه تحقق بخشیدن به قسط و عدالت اجتماعی و اقتصادی اسلام و پاسداری از آن.
۳. پرورش روحیه اخوت ایمانی و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت و تحکیم آن.
۴. پرورش روحیه خیر خواهی و دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه ای همگانی و متقابل.
۵. پرورش روحیه احترام به قانون و التزام به رعایت آن و حمایت از برخورداری عموم از حقوق قانونی.
۶. پرورش روحیه نظم در روابط گروهی.
۷. پرورش روحیه مسئولیت پذیری و اهتمام به امور اجتماعی و مشارکت در فعالیت های دینی، فرهنگی و اجتماعی.
۸. ایجاد روحیه تولی و تبری براساس تعالیم اسلامی.
۹. ایجاد روحیه رعایت بهداشت عمومی و حفظ محیط زیست.
۱۰. ایجاد روحیه محبت و حمایت از حق طلبان- عدالت خواهان و مظلومان و مستضعفان جهان و انزجار از مستکبران، استثمار گران و ستمکاران براساس ارزشهای اسلامی.
۱۱. تقویت روحیه گذشت، فداکاری، ایثار در روابط جمعی و مقدم شمردن مصالح اجتماعی بر منافع فردی.
۱۲. ایجاد روحیه نقادی و انتقاد پذیری، سعه صدر و تحمل آرای دیگر در برخورد اندیشه ها.
۱۳. پرورش روحیه احترام به شخصیت افراد و مراعات کامل حقوق مادی و معنوی آنان و رعایت آداب معاشرت در روابط اجتماعی.
۱۴. پرورش روحیه مقاومت در برابر تبلیغات سوء از طریق دادن آگاهی درست و تامین رشد و استقلال فکری.

ز- اهداف سیاسی و نظامی:

۱. تربیت روحیه پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان و آشنایی با روش ها و شیوه های اعمال این حاکمیت در جامعه براساس ولایت فقیه.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۲. ایجاد روحیه اعتقاد به ائتلاف و اتحاد و تلاش در جهت تحقق الفت و وحدت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی مسلمین و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان.

۳. شناساندن و تعلیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد روحیه پاسداری از استقلال همه جانبه کشور و نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری.

۴. آموزش فنون دفاع غیر نظامی و نظامی و ورزش های رزمی و پرورش روحیه سلحشوری به منظور حفظ کیان اسلام و تقویت بنیه دفاعی کشور.

۵. تعلیم و تعلم مفهوم سیاست از دید گاه اسلام و ارتقاء و بینش و بیداری سیاسی نسبت به اوضاع سیاسی ایران، جهان و بخصوص جوامع اسلامی، ملل محروم و شرکت فعال در سرنوشت سیاسی کشور.

۶. شناخت و شناساندن استعمار و استکبار جهانی و ضرورت مبارزه با آن و شناخت علل و وجوه استضعاف ملل محروم بخصوص جوامع اسلامی و راه های رهایی از آن.

ز- اهداف اقتصادی:

۱. توجه به اهمیت رشد اقتصادی به عنوان وسیله ای برای رسیدن به رشد و تکامل معنوی انسان .

۲. شناخت و شناساندن ارزش و قداست کار و معاش حلال و پرورش روحیه مبارزه با بیکاری و بطالت و مشاغل کاذب.

۳. ایجاد آمادگی و توانایی به تناسب، جنس، استعداد و علاقه در جهت اشتغال مولد در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات.

۴. ایجاد روحیه ساده زیستن، صرفه جویی، قناعت و پرهیز از اسراف و مصرف زدگی و تجمل گرایی.

۵. پرورش روحیه ایثار، انفاق و تاسیس موسسات عام المنفعه و کمک به آنها .

۶. شناخت و شناساندن احکام اقتصادی اسلام و پرورش عمل به آنها .

۷. تربیت افراد متعهد و آگاه و ماهر بر اساس نیازهای کمی و کیفی بخش های مختلف اقتصادی با توجه به استعداد ها و شرایط اقلیمی هر منطقه در جهت پیشرفت همه جانبه .

۸. شناساندن حرفه و مشاغل مولد و احیاء و ترویج صنایع دستی و مستظرفه بومی و سنتی در جهت افزایش در آمد ملی و رفع بیکاری و وابستگی اقتصادی.

۹. پرورش روحیه مبارزه با بهره کشی اقتصادی و شیوه های کسب درآمد نامشروع خلاف مصالح جامعه اسلامی.

۱۰. شناخت منابع اقتصادی کشور و شیوه های صحیح استفاده از آنها و پرورش روحیه حراست از اموال عمومی و ثروت ملی.

ط. اهداف زیستی:

۱. تامین سلامت جسمی و روانی از طریق فراهم ساختن لوازم، شرایط و محیط مناسب برای تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم.

۲. آموزش و مراعات بهداشت فردی و جمعی.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۳. پرورش روحیه توجه به ورزش و بهداشت جسمی و روانی به عنوان زمینه ای برای رشد معنوی انسان (شریعتمداری، ۱۳۶۷).

نقش حساس معلم در تربیت نسل جوان

با توجه به نقشی که معلم در تربیت نسل جوان بعهده دارد و علاوه بر تواناییهای مختلف علمی در مرحله اول در مقام تهذیب نفس و در این راستا معلمین بعنوان اولین چیزی که به شاگردان خود ارائه می دهند، روحیه حق طلبی و گرایش بسوی تعالیم الهی باشد. نقش معلم در جامعه نقش انبیاست، انبیاء هم معلم بشر هستند، مسئولیت بسیار زیادی دارند، نقش مهمی که همان نقش تربیت است که اخراج از ظلمات بسوی نور است. شغل معلمی شغل انسان سازی است، پیغمبر اکرم معلم همه بشر است و بعد او حضرت امیر سلام الله علیه باز معلم همه بشر است، آنها معلم همه بشر هستند. معلم امانتداری است که غیر از همه امانت‌هاست، انسان امانت اوست. اما امانت اگر انسان باشد، اگر یک طفل قابل تربیت شد، اگر خدای نخواست این امانت به آن خیانت شد، یک وقت می بینید خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است و خیانت به اسلام است. همانطور که مقام و ارزش عملی معلم بالاست، مسئولیت این شغل نیز بسیار سنگین است. از اینرو معلم که بار این مسئولیت گران را بر دوش دارد، همواره باید به این معنی توجه داشته باشد که مسئولیت او در برابر این شغل علاوه بر جنبه اجتماعی و اخلاقی، دارای یک جنبه مهمتر نیز می باشد که آن همانا تعهد شرعی و الهی معلم در راستای این مسئولیت خطیر است. ملت ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دامهای شیطنت آمیز قدرتهای بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال ندارند و این میسر نیست جز با دست اساتید و معلمان متعهدی که در دبستانها تا دانشگاهها راه یافته اند.

نقش والدین و خانواده در آماده سازی زمینه تربیت اسلامی نوجوانان

والدین بعنوان اولین و اساسی ترین کانون تربیت، مهمترین نقش را در تربیت روحی فرزندان بعهده دارند. اگر تربیت در دامن خانواده نتواند خلاءهای عاطفی، اخلاقی و تربیتی فرزند را پر کند، بدون شک تلاش دیگر ارگانها در این زمینه نمی تواند کارساز باشد. اگر از دامن مادر این تربیت خوب شروع شد و مادر بچه را خوب تربیت کرد و به دبستان تحویل داد، آنجا هم همینطور تا دانشگاه یا مدارس علمی دیگر، آنها هم خوب تربیت کردند، یک وقت در یک برهه از زمان می بینید که جوانها همه خوب از کار در آمده اند و یک مملکت را به طرف خوبی می کشانند. امروز باید پدران و مادران مواظب رفتار فرزندان خویش باشند که در صورت مشاهده حرکات غیر عادی آنان را نصیحت نمایند تا گول منافقین و منحرفین را نخورند که در اینصورت سعادت دنیوی و اخروی آنان تباه می گردد (قطب، ۱۳۶۲). مادران و پدران باید توجه داشته باشند که سنین دانش آموزی و دانشگاهی سالهای شور و هیجان فرزندانشان می باشد و با اندک شعاری جذب گروهها و منحرفین می شوند و نیز جوانان دبیرستانی با هوشیاری کامل توجه داشته باشند که عمال اجنبی آنان را حتی با اسم اسلام راستین به دام شرق و غرب نیندازند. مادران و پدران توجه داشته باشند که آنان از همه کس مؤثرتر برای نجات فرزندانشان از گرداب جهل و فساد می باشند و بهمین جهت



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

دلسوزانه و متعهدانه با اساتید فرزندانمان در تماس باشید و آنان را در این مهم یاری دهید و از آنان یاری گیرید. امیدوارم این نونهالان، استقلال فرهنگی، سیاسی و نظامی فردای ما را تأمین کنند و ما را از شر ابرقدرتها نجات دهند و پایه گذاران جهان سوم راستین گردند.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در خانواده

خانواده از نخستین نظام‌های نهادی، عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. خانواده در عین حال که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، هسته اصلی جامعه و پایه و بنای هر اجتماع بزرگ بوده و از مهم‌ترین نهادهای موجود در جامعه انسانی است. آسیب‌های اجتماعی گستره زیادی دارد، اولین و اساسی‌ترین آسیبی که زمینه‌های بروز و ظهور آسیب‌های بعدی را به وجود می‌آورد، کانون خانواده است. آسیب‌ها در حوزه‌های اعتیاد، خانواده، طلاق، بهزیستی روانی جامعه و غیره وجود دارد که به‌عنوان آسیب‌های اصلی و اساسی مورد توجه است، اما سرمنشأ این آسیب‌ها که باعث بروز درگیری‌ها در جامعه، رفتارهای خشن، نزاع، پرخاشگری در جامعه می‌شود، در «خانواده» است. در یک خانواده باید بسترهای لازم برای قرار گرفتن دو نفر در کنار هم وجود داشته باشد، بدان معنا که علاوه بر رابطه همسری والدین، هم‌سفر یکدیگر باشند و نگاه آموزشی و تربیتی آن‌ها به فرزندان مناسب باشد تا بتوانند محیط مناسب را برای ارتقای رشد سلامت فکری و جسمی و عاطفی و روحی فرزندان خود فراهم کرده و مبنایی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی باشد. بنابراین رشد فکری، فرهنگی در نظام خانواده مبنای اساسی برای پیشگیری از بروز آسیب‌ها در جامعه است؛ البته نظام آموزشی و پرورشی و مراکز علمی و آموزشی کانون رشد فکری افراد است، اما نگاه ما به حوزه رشد فکری نظام خانواده مهم و ضروری است. شاید از دیدگاه عموم افراد جامعه اعتیاد، طلاق، آسیب‌های ناشی از استفاده ماهواره و اینترنت، مواد مخدر آسیب‌های اجتماعی باشد، اما پایه و اساس عزت‌نفس، خودباوری و اعتماد به نفس فرد برای رسیدن به آینده بهتر، رشد بیشتر و به نگاه مثبت‌تر برای ساختن آینده بهتر در نظام خانواده است.

نتیجه‌گیری

تربیت به معنای رشد دادن و رفع موانع جهت شکوفایی استعدادها به سوی کمال است. تعلیم بدون تربیت موجب سقوط انسان خواهد شد. با نگاهی به گذشته بشر مقطعی از تاریخ را نمی‌توان یافت که خالی از این دو عنصر مهم باشد؛ رشد فردی و اجتماعی، غلبه بر طبیعت و ... از ضرورت‌های مهم بحث تعلیم و تربیت هستند. با توجه به اینکه هر مکتبی بر پایه مبانی خاص خود؛ یعنی زیر ساخت فلسفی و اعتقادی خود به تربیت انسان‌ها می‌پردازد، شناخت این مبانی از دیدگاه اسلام برای دستیابی به نظرات تربیتی اسلام، اجتناب ناپذیر است. تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان بیان آنچه که برای تربیت انسان مورد نیاز بوده است، توسط خداوند و انبیاء الهی و نیز ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به اندازه کافی بیان شده است. در جوامع مدرن امروز تمایل بر این است که این سیاست‌ها هرچه بیشتر توسط نهاد آموزش و پرورش به جامعه تزریق شده و نهاد سیاست حداقل دخالت را در این امور دارد. اما در جوامعی که در آن‌ها نهاد سیاست قدرتمندتر است، این سیاست‌ها توسط این نهاد وضع و به جامعه دیکته می‌شود. تجربه نشان داده است که جوامع نوع اول در مهار بحران‌های اجتماعی موفق‌تر عمل کرده‌اند. چون مردم راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی را وضع و از آن‌ها حمایت می‌کنند.

پیشنهادات



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



۱. تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛
۲. تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس.
۳. بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان؛
۴. تقویت نظارت های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی.
۵. برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، و پی گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان؛
۶. ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
۷. توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس.
۸. توجه به مشکلات عاطفی، روانی.
۹. توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری
۱۰. تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای بندی عملی والدین به آموزه های دینی؛
۱۱. ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل.
۱۲. تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان.
۱۳. توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛
۱۴. برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت .
۱۵. نظارت جدی نسبت به دوست یابی فرزندان.

منابع

۱. استیس، والتر (۱۳۷۷)، دین و نگرش نوین، ترجمه احمد رضا جلیلی، تهران، انتشارات حکمت.
۲. اعتمادی، میرزا آقا (۱۳۷۶)، اصول و فنون آموزش و پرورش، تهران، آوای نور.
۳. باقری، خسرو (۱۳۶۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش
۴. جیمز، ویلیام (۱۳۶۷)، دین و روان، ترجمه مهدی قائینی، قم، دارالفکر.
۵. زاهدی، مرتضی (۱۳۷۵)، فلسفه تربیت و فعالیتهای تربیتی، تهران، آوای نور.
۶. شاتو، ژان (۱۳۶۹)، مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۷. شریعتمداری، علی (۱۳۶۷)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر.
۸. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی.
۹. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۸)، مبانی اصول آموزش و پرورش.
۱۰. قطب، محمد (۱۳۶۲)، روش تربیتی اسلام، ترجمه جعفری، تهران. انجام کتاب.
۱۱. مایکل پترسون و دیگران (۱۳۷۶)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، ج ۲، قم، صدرا.
۱۳. هوشیار، محمدباقر (۱۳۲۷)، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. هیوم، رابرت (۱۳۶۹)، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.